بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌ا‌)



بسم ا‌ الرّحمن الرّحیم

الحمد‌ ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم المصطفی محمّد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین المعصومین الهداة المهدیّین سیّما بقیّة‌ا‌ فی الارضین.

امروز درست سی سال از آن روز تلخ تاریخی میگذرد؛ سی سال از فراق امام محبوب بزرگوار ما، سی سال از آن وداع تاریخی و بدرقه‌ی باشکوه و بی‌نظیر که مردم از امام عزیزشان و بی‌نظیرشان انجام دادند. در این سی سال تلاشهای زیادی صورت گرفته است که یاد امام و نام امام کم‌رنگ شود. شیطنت‌های زیادی صورت گرفته است که اصول امام، فکر امام، راه امام در اداره‌ی کلان جمهوری اسلامی ایران نادیده گرفته شود. سعی شده است جاذبه‌ی بی‌نظیر امام بزرگوارمان کم‌رنگ بشود، کاهش پیدا کند. سی سال است از طرف دشمنان گوناگون و از طرف بعضاً افراد غافل این گونه تلاشها انجام میگیرد لکن واقعیّت، تماماً بعکسِ خواسته‌ی مخالفان و دشمنان جریان پیدا کرده است. واقعیّت این است که جاذبه‌ی امام نه فقط کاسته نشده است بلکه حتّی امتداد بیشتری هم پیدا کرده است. یک نشانه‌ی آن، همین اجتماع عظیم امروز است. سی سال بعد از رحلت امام بزرگوار، این جمعیّت پُرشور و عظیم، مراسم

سالگرد او را در این روز ماه رمضان، عصر ماه رمضان، در این هوای گرم این جور با نشاط و شور رونق میبخشند. در کجای دنیا چنین چیزی نظیر دارد؟

جاذبه‌ی امام را چند روز قبل از این هم در راه‌پیمایی روز قدس مشاهده کردید و همه‌ی دنیا دیدند. چهل سال پیش، امام بزرگوار روز قدس را برای دفاع از مسئله‌ی مهمّ فلسطین ابداع کرد؛ چهل سال میگذرد [امّا] روز قدس کهنه نشده است. امسال در بیش از صد کشور در روز قدس به یاد امام بزرگوار راه‌پیمایی شد. در حالی که سعی سیاستهای استکباری آمریکا و حواشی آمریکا و دنباله‌روان آمریکا این است که مسئله‌ی فلسطین را به دست فراموشی بسپرند و صورت مسئله را پاک کنند -که می‌شنوید این خبرهای خباثت آمریکایی‌ها و خیانت بعضی از سران عرب را در این مورد- در یک چنین شرایطی عاملِ نفوذ امام بزرگوار ما موجب میشود که مسئله‌ی قدس در بیش از صد کشور مطرح بشود؛ نه به وسیله‌ی دولتمردان و سخنگویان رسمی سیاسی [بلکه] به وسیله‌ی توده‌ی مردم، به وسیله‌ی متن مسلمانها. این نشانه‌ی جاذبه‌ی امام است که بعد از سی سال از وفات ایشان همچنان وجود دارد؛ هیچ جاذبه‌ای در دنیا با این نمیتواند برابری کند. البتّه من همین جا فرصت را مغتنم میشمرم و از مردم عزیزمان از اعماق دل تشکّر میکنم به خاطر آن حضور پُرشکوه و آبرومند در روز جمعه‌ی آخر ماه مبارک رمضان که در سراسر کشور اجتماعات عظیم مردم وارد میدان شدند؛ مردم حقیقتاً در عمل به توصیه‌ی امام کوتاهی‌ای نکردند و نمیکنند.

سرّ این جاذبه چیست؟ این جاذبه‌ی بی‌نظیرِ امام بزرگوار ناشی از چیست؟ [تنها] یک گوشه‌ای از این مطلب را من عرض میکنم؛ این بحثِ وسیع‌تری لازم دارد. امام مختصّات شخصیّتی‌ای و موهبتهایی را دارا بود و خدا به او داده بود که این مختصّات، این خصوصیّات در کمتر کسی در این حد جمع میشود. امام این خصوصیّات را داشت: انسانی بود شجاع، انسانی بود باحکمت و باتدبیر، انسانی بود پارسا و پرهیزکار و دلبسته‌ی به خدای بزرگ، دلباخته‌ی به ذکر الهی؛ امام مردی بود ظلم‌ستیز؛ با ظلم کنار نمی‌آمد، با ظلم مبارزه میکرد، حامی مظلوم، استکبارستیز؛ امام مردی بود عدالتخواه، طرف‌دار مظلومان، حامی مظلومان؛ اهل صداقت، با مردم صادق بود، با مردم همان جوری سخن میگفت که دل او بود و احساس قلبی او بود؛ با مردم صادقانه رفتار میکرد؛ در راه خدا اهل مجاهدت بود، آرام نمی‌نشست، دائم در حال مجاهدت بود؛ [مصداق] این آیه‌ی شریفه: فَاِذا فَرَغتَ فَانصَب * وَ اِلی رَبِّکَ فَارغَب؛(۱) از یک کار بزرگ که فراغت پیدا میکرد، چشم به یک کار بزرگ دیگری میدوخت و آن را دنبال میکرد؛ اهل مجاهدت فی‌سبیل‌الله بود؛ اینها عوامل جاذبه‌ی امام است. این خصوصیّات در امام مجتمع شده بود؛ هر کسی با این خصوصیّات باشد، دلها به سَمت او جذب میشود؛ اینها همان عمل صالحی است که خدای متعال میفرماید: اِنَّ الَّذینَ ءامَنوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ سَیَجعَلُ لَهُمُ

الرَّحمانُ وُدًّا؛(۲) این وعده‌ی الهی است؛ این محبّتها هم محبّتهای الهی است، محبّتهای تبلیغی و تحمیلی و تلقینی نیست؛ کار خدا است، دست خدا است.

خب، یک خصوصیّت از خصوصیّات امام هست که بنده امروز درباره‌ی آن بیشتر میخواهم صحبت کنم و آن، خصوصیّت «مقاومت» است؛ مقاومت، ایستادگی. آن چیزی که امام را در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکّر، یک راه، مطرح کرد برای زمان خود و در تاریخ، بیشتر این خصوصیّت بود؛ خصوصیّت ایستادگی، مقاومت، عدم تسلیم در مقابل مشکلات و موانع. در برابر طاغوتها امام مقاومت خودش را به رخ همه‌ی دنیا کشید؛ چه طاغوت داخل در دوران مبارزات که خیلی‌ها خسته شدند، خیلی‌ها مشرف به ناامیدی شدند امّا امام محکم ایستاد، امام بدون ذرّه‌ای عقب‌نشینی در راه مبارزه ایستاد؛ که این مال دوران قبل از پیروزی انقلاب بود. و بعد از پیروزی انقلاب هم فشارها از نوع دیگر و به صورت همه‌جانبه‌تر در مقابل امام ظاهر شد، [امّا] امام باز هم اصل مقاومت را، ایستادگی را از دست ننهاد، مقاومت کرد. بنده وقتی به این خصوصیّت امام نگاه میکنم و به آیات قرآن مراجعه میکنم، میبینم امام حقیقتاً بسیاری از آیات قرآن را با همین ایستادگی خود و مقاومت خود معنا کرد. فرض بفرمایید اینکه قرآن میفرماید «فَلِذالِکَ فَادعُ وَاستَقِم کَما اُمِرتَ وَ لا تَتَّبِع اَهواءَهُم»،(۳) تهدید و تطمیع و فریب در امام اثر نگذاشت؛ نه اینکه تهدید نکردند یا تطمیع نکردند یا به فریب متّصل نشدند؛ چرا، [امّا] در امام مطلقاً اثر نمیگذاشت، ایستادگی او را مخدوش نمیکرد. مهم این است که تلاش دشمن و تهدید دشمن نمیتوانست دستگاه محاسباتی امام را به هم بریزد؛ چون یکی از کارهای مهمّ دشمنان همین است: با شما که مواجه میشود، نیّت شما را که میداند، تصمیم شما را که میداند، در صدد برمی‌آید کاری کند تا محاسبات شما عوض بشود، دستگاه محاسباتی شما را دچار اختلال کند؛ یکی از کارهای مهمّ دشمنی در عرصه‌های گوناگون این است. دشمن نمیتوانست دستگاه محاسباتی امام بزرگوار را که به بیّنات دین مبین اسلام متّکی بود، دچار اختلال بکند.

معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق میداند، راه درست میداند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقّف کند؛ این معنای مقاومت است. فرض کنید یک وقت در یک جادّه‌ای انسان به یک مسیلی برخورد میکند، به یک حفره‌ای برخورد میکند، یا در حرکت در کوهستان که میخواهد مثلاً به قلّه‌ی کوه برسد، به یک صخره‌ای برخورد میکند؛ بعضی‌ها وقتی که برخورد میکنند به این صخره یا به این مانع یا به این دزد یا به این گرگ، برمیگردند، از ادامه‌ی راه منصرف میشوند؛ بعضی نه، نگاه میکنند ببینند راه دُور زدن این صخره چیست، راه مقابله‌ی با این مانع کدام است، آن راه را پیدا میکنند یا مانع را برمیدارند یا با یک شیوه‌ی عاقلانه از مانع عبور میکنند؛ مقاومت یعنی این؛

و امام این جوری بود؛ راهی را انتخاب کرده بود و در این راه حرکت میکرد؛ این راه چه بود؟ حرف امام چه بود که بر آن ایستادگی و پافشاری میکرد؟ حرف امام حاکمیّت دین خدا بود؛ حاکمیّت دین خدا و مکتب الهی بر جامعه‌ی مسلمین و بر زندگی عموم مردم؛ این حرف امام بود. بعد از آنکه توفیق این را پیدا کرد که بر موانع غلبه پیدا کند و نظام جمهوری اسلامی را تشکیل بدهد، اعلام کرد که ما نه ظلم میکنیم، نه زیر باز ظلم میرویم؛ ظلم نمیکنیم امّا زیر بار ظلم هم نمیرویم؛ با ظالم کنار نمی‌آییم و از مظلوم حمایت میکنیم؛ این حرف امام بود.

خب این حرف از متن دین گرفته شده است، متن قرآن است. علاوه‌ی بر اینکه قرآن این را تصریح میکند، عقل سالم هم همین را تأیید میکند. با ظلم مقابله کردن، از مظلوم دفاع کردن، با ظالم همکاری نکردن و کنار نیامدن، چیزی است که همه‌ی خردمندان عالم آن را می‌پسندند؛ بر این حرف ایستادگی کرد. خب بدیهی است که این حرف و این مَشی، دشمنان گردن‌کلفتی در عالم دارد. دستگاه‌های استکباری عالم اهل ظلمند. تا آن زمانی که امام، این نهضت عظیم را شروع کرد، بیش از دویست سال بود که دولتهای غربی، ملّتهایی را در گوشه و کنار دنیا -در آسیا، در آفریقا، در کشورهای متعدّد- زیر بار ظلمِ فزاینده‌ی خود قرار داده بودند؛ انگلیس‌ها در هند و کشورهای آن منطقه، فرانسوی‌ها در آفریقا، در الجزایر و کشورهای دیگر، و برخی از کشورهای دیگرِ اروپایی در کشورهای گوناگون، مشغول ظلم واضح و بدون پرده بودند؛ خب معلوم است که اینها از این شعار ناراحت میشوند. [اینکه] یک حکومتی در قلب آسیا، در این نقطه‌ی حسّاس، در ایران به وجود بیاید که شعارش این باشد که با ظلم کنار نمی‌آید، ظلم را قبول نمیکند، با ظالم آشتی نمیکند، از مظلوم حمایت میکند، معلوم است که برای اینها سخت و غیر قابل تحمّل بود؛ لذا از روز اوّل، دشمنی‌ها شروع شد.

دشمنی را کسانی شروع کردند که اهل ظلم بودند، اهل تجاوز بودند، اهل باج‌گیری بودند؛ اینها با طبیعت پیام امام بزرگوار یعنی نظام جمهوری اسلامی، طبعاً نمیتوانستند سازگار باشند، [لذا] دشمنی‌ها از روز اوّل شروع شد؛ در دهه‌ی اوّل انقلاب، در زمان حیات مبارک امام بزرگوار یک جور، بعد از رحلت امام هم، در این دو سه دهه‌ی اخیر، یک جور دیگر. امام در مقابل این تهاجم ناجوانمردانه و خباثت‌آلود، از اوّل، فکر مقاومت را، فکر ایستادگی را، فکر گم نکردن راه و هدف را پایه‌گذاری کرد و به عنوان یک درس، به عنوان یک راه، برای ماها، برای ملّت ایران، برای مبارزان، برای مسئولان کشور، این راه را نشان‌دار کرد و گذاشت تا از این راه حرکت کنیم.

این مقاومت بتدریج از مرزهای جمهوری اسلامی فراتر رفت. نه اینکه ما بخواهیم این عنوان مقاومت را یا فکر مقاومت را صادر کنیم که بعضی‌ها -از سیاسیّون، از دیگران- در گوشه و کنار اعتراض میکنند

که چرا میخواهید انقلاب را صادر کنید. ما انقلاب را صادر نمیکنیم؛ انقلاب، فکر است، اندیشه است، راه است؛ اگر مورد پسند و قبول یک ملّتی قرار بگیرد، به خودیِ خود آن ملّت آن را میپذیرد. ما مگر برای روز قدسِ امسال رفتیم به این کشورها گفتیم که شما بیایید راه‌پیمایی کنید؟ خودشان کردند، خودشان خواستند؛ خود مقاومت مورد قبول ملّتها قرار گرفت. امروز در منطقه‌ی ما، منطقه‌ی غربِ آسیا، کلمه‌ی مشترکِ ملّتها مقاومت است؛ مقاومت را همه قبول دارند. البتّه بعضی جرئت میکنند وارد میدان مقاومت بشوند، بعضی جرئت نمیکنند؛ امّا آن کسانی هم که جرئت میکنند کم نیستند. همین شکستهایی که در این چند سال، آمریکایی‌ها در عراق و در سوریه و در لبنان و در فلسطین و مانند اینها داشتند، محصول مقاومت گروه‌های مقاومت است. جبهه‌ی مقاومت، امروز یک جبهه‌ی قوی است.

البتّه این را ما انکار نمیکنیم که چون ما ملّت ایران، مقاومت را دودستی چسبیدیم و پیش رفتیم و موفّق شدیم، دیگران هم به مقاومت تشویق شدند. این را صاحب‌نظران غیر ایرانی، صاحب‌نظران سیاسیِ بین‌المللی هم گفته‌اند و تصریح کرده‌اند. یک چهره‌ی معروف بین‌المللیِ تحلیلگر -که آمریکایی هم هست، همه هم اسم او را شنیده‌اید- میگوید که یکی از مهم‌ترین علل دشمنیِ آمریکا با جمهوری اسلامی همین است که جمهوری اسلامی مسیر مقاومت را در پیش گرفت و موفّق شد، توفیق پیدا کرد، توانست بر موانع فائق بیاید؛ این یکی از علل دشمنی است. آنها میخواهند ما شکست بخوریم، آنها میخواهند ما منصرف بشویم، آنها میخواهند ما به عنوان تسلیم، دستهای خودمان را بالا کنیم؛ چون نمیکنیم، دشمنی میکنند.

توجّه کنید تا من مطلب لازم و مهمّی را اینجا بگویم. خب، امام مسیر مقاومت را انتخاب کرده است. مطلب مهم این است که امام، مقاومت را از روی هیجان‌زدگی انتخاب نکرد، از روی احساسات زودگذر انتخاب نکرد؛ پشتوانه‌ی انتخابِ مقاومت از سوی امام بزرگوار ما یک پشتوانه‌ی منطقی است، پشتوانه‌ی عقلانی است، پشتوانه‌ی علمی است و البتّه پشتوانه‌ی دینی؛ منطق، پشت سرِ ایستادگی امام و مقاومتِ امام وجود دارد؛ حالا من چند جزء از اجزای این منطق را عرض میکنم.

یک جزء این منطق این است که مقاومت، واکنش طبیعیِ هر ملّت آزاده و باشرف در مقابل تحمیل و زورگویی است؛ دلیل دیگری لازم ندارد. هر ملّتی که برای شرف خود، برای هویّت خود، برای انسانیّت خود ارزش قائل است، وقتی ببیند یک چیزی را میخواهند به او تحمیل بکنند، مقاومت میکند، امتناع میکند، ایستادگی میکند؛ خود این، یک دلیل مستقل و قانع‌کننده است؛ این یک.

دوّم: مقاومت موجب عقب‌نشینی دشمن میشود، بر خلاف تسلیم. وقتی که دشمن به شما زور میگوید، اگر شما

یک قدم به عقب برداشتید، او جلو می آید؛ بدون تردید. راه اینکه او جلو نیاید، این است که شما بِایستید. ایستادگی و مقاومت کردن در مقابل زیاده‌خواهی دشمن و زورگیری دشمن و باج‌خواهی دشمن، راه جلوگیری از پیش‌ آمدنِ او است؛ پس صرفه با مقاومت است. خود ما هم همین جوری هستیم و تجربه‌ی خود ما در جمهوری اسلامی همین را نشان میدهد. من البتّه موارد زیادی را همین الان در ذهن دارم؛ نمیخواهم وارد بشوم و مثال ذکر بکنم؛ به طور کلّی بگویم: هر جا ما ایستادگی کردیم و مقاومت کردیم، توانستیم پیش برویم؛ هر جا تسلیم شدیم و طبق میلِ طرف مقابل حرکت کردیم، ضربه خوردیم. مثالهای واضحی وجود دارد و افراد هوشمند و مطّلع میتوانند مثالهایش را در زندگی چهل‌ساله‌ی جمهوری اسلامی براحتی پیدا کنند. این هم یک بخش دیگری از این منطق.

بخش سوّم از منطق مقاومت، آن چیزی است که من در همین جلسه -یکی دو سال گذشته(۴)- گفتم و آن این است که مقاومت البتّه هزینه دارد، بدون هزینه نیست، امّا هزینه‌ی تسلیم در مقابل دشمن بیشتر است از هزینه‌ی مقاومت. وقتی شما در مقابل دشمن تسلیم میشوید، باید هزینه بدهید. رژیم پهلوی در مقابل آمریکا تسلیم بود -خیلی اوقات هم ناراحت بودند، ناراضی بودند امّا تسلیم بودند، میترسیدند- هم نفت میداد، هم پول میداد، هم باج میداد، هم توسری میخورد! امروز دولت سعودی هم همین جور است؛ هم پول میدهد، هم دلار میدهد، هم بر طبق خواست آمریکا موضع‌گیری میکند، هم توهین می‌شنود؛ به او میگویند «گاو شیرده»! هزینه‌ی سازش، هزینه‌ی تسلیم، هزینه‌ی عدم مقاومت، از هزینه‌ی مقاومت بمراتب بیشتر است؛ هزینه‌ی مادّی هم دارد، هزینه‌ی معنوی هم دارد.(۵) (خواهش میکنم توجّه کنید؛ ما حالا بحث «نبرد» را نمیکنیم، بحث «مقاومت» را میکنیم؛ بحث «نبرد» جداگانه است؛ من دارم ایستادگی و مقاومت و عقب‌نشینی نکردن را میگویم؛ درست توجّه کنید.)

بخش چهارم و عنصر چهارم از منطق مقاومتی که امام بزرگوار پایه‌گذاری کرد در نظام جمهوری اسلامی، این بخشِ قرآنیِ وعده‌ی الهی است. خداوند متعال در آیات مکرّر قرآن این وعده را داده است که اهل حق، طرف‌داران حق، پیروز نهایی‌اند؛ آیات فراوان قرآن بر این معنا دلالت میکند. ممکن است قربانی بدهند امّا در نهایت شکست نمیخورند؛ آنها پیروز هستند در این صحنه؛ قربانی دارند امّا ناکامی ندارند. از مثالهای آیات کریمه‌ی قرآن، من دو سه آیه را اینجا ذکر میکنم؛ جوانهای عزیزی که اهل قرآنند، به اینها مراجعه کنند، روی آنها فکر کنند. اَم یُریدونَ کَیدًا فَالَّذینَ کَفَروا هُمُ المَکیدون؛(۶) خیال میکنند دارند زمینه‌سازی میکنند، توطئه برای جبهه‌ی حق و مقاومت درست میکنند، [امّا] نمیدانند که توطئه علیه خود آنها دارد چیده میشود طبق طبیعت و سنّت الهی. آیه‌ی دیگر: «وَ نُریدُ اَن نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ استُضعِفوا فِی الاَرضِ»(۷) تا آخر آیه. آیه‌ی دیگر: اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم وَ یُثَبِّت اَقدامَکُم؛(۸) آیه‌ی دیگر: وَ لَیَنصُرَنَّ اللهُ مَن

یَنصُرُه.(۹) آیات فراوان قرآن همه همین عاقبت را نوید میدهند به آن کسانی که در راه مقاومتند. این هم یک استدلال. یک بخشی از استدلال قوی و منطق قوی امام همین آیات است -ده‌ها آیه است در قرآن کریم- که من حالا سه چهار آیه را خواندم.

نکته‌ی پنجم -که برای منطق مقاومت باید در نظر داشت و امام در نظر داشتند، و ما هم این را میدانیم و میفهمیم و محاسبه میکنیم- این است که مقاومت یک امر ممکن است؛ درست نقطه‌ی مقابلِ فکر غلطِ کسانی که میگویند و تبلیغ میکنند که «آقا! فایده‌ای ندارد؛ چطور میخواهید مقاومت کنید؟ طرف، گردن‌کلفت است، طرف قوی است.» خطای بزرگ، اینجا است؛ خطای بزرگ، این است که کسی تصوّر کند که در مقابل گردن‌کلفت‌های عالَم نمیشود مقاومت کرد، نمیشود ایستاد. من این را یک قدری بیشتر توضیح بدهم؛ چون مطلب مهم و رایج و مورد ابتلائی است؛ الان هم ما داریم کسانی را که زیر کسوت روشنفکری و مانند اینها، در روزنامه، در کتاب، در سخنرانی، اینجا و آنجا این جور القا میکنند که «آقا! فایده‌ای ندارد، نمیشود با اینها درافتاد، نمیشود در مقابل اینها ایستاد، باید قبول کنیم»؛ خلاصه‌اش این است که باید سواری بدهیم؛ سواری بدهیم و خیال خودمان را راحت کنیم. من عرض میکنم که این نگرش که بگویند «ما نمیتوانیم»، ناشی از همان خطای محاسباتی‌ای است که قبلاً اشاره کرده‌ام؛(۱۰) این اشتباه در محاسبه است.

خطای محاسباتی در هر قضیّه‌ای ناشی از این است که ما عوامل گوناگون این قضیّه را درست نبینیم. آنجایی که بحث بر سر یک مقابله است، بر سر یک برخوردِ دو جبهه با یکدیگر است، خطای محاسباتی از اینجا ناشی میشود که ما جبهه‌ی خودمان را هم درست نشناسیم، جبهه‌ی مقابل را هم درست نشناسیم؛ وقتی نشناختیم، در محاسبه اشتباه میکنیم؛ اگر درست شناختیم، محاسبه‌ی ما جور دیگری خواهد بود. من عرض میکنم که ما در محاسباتی که باید در مسئله‌ی مقاومت در مقابل زورگویان عالَم داشته باشیم، باید حقایق مربوط به این زورگویان را درست بدانیم، حقایق مربوط به خودمان را هم بدانیم. یکی از این حقایق، «قدرت مقاومت» است.

ببینید؛ در ادبیّات سیاسیِ بین‌المللی، عنوان «مقاومت به شیوه‌ی امام خمینی» یک عنوان است. آنچه در تعبیرات فرنگی‌ها وجود داشت و بعد از قضیّه‌ی آزادسازی خرّمشهر خیلی این اصطلاح شایع شد، «دکترین مقاومت امام خمینی» است؛ این را مطرح کردند و مقاله‌ها نوشتند. حالا من اینجا یک جمله‌ای را یادداشت کرده‌ام که نوشته‌ی یکی از چهره‌های سیاسی معروف دنیا است که اگر بگویم همه می‌شناسید؛ او آن را در یک مقاله‌ای نوشت؛ نوشته است که «دوران نقش‌آفرینی منحصر به فردِ توان نظامی و اقتصادی در سیطره‌ی جهانی در حال افول است؛ اینکه یک کشوری توان نظامی زیادی داشته باشد

و توان اقتصادی زیادی داشته باشد و بتواند به سیطره‌ی خود ادامه بدهد، دیگر در حال افول است؛ دنیا عوض شده»؛ او مینویسد که «در آینده‌ی نه چندان دور شاهد قدرتهای فرامرزی‌ای خواهیم بود که از لحاظ ماشین‌آلات جنگی -مثل بمب اتم- یا سهم در تولید صنعتی جهانی، چندان بالا نیستند امّا با قدرت تأثیرگذاری بر میلیون‌ها انسان، سیطره‌ی نظامی و اقتصادی غرب را به چالش خواهند کشید». این را یک سیاستمدار و صاحب‌نظر سیاسی غربی و آمریکایی میگوید. بعد هم اضافه‌ میکند که «دکترین مقاومت خمینی با تمام توان، شاهرگهای سیطره‌ی غرب و آمریکا را هدف گرفته است». راز ماندگاری جمهوری اسلامی اینها است؛ این خطّی است که این بزرگوار، این بنده‌ی صالح خدا، در میان ما باقی گذاشت؛ خطّ مقاومت، خطّ ایستادگی، خطّ قدردانی از آنچه داریم.

این را من عرض میکنم که امروز جبهه‌ی مقاومت در منسجم‌ترین وضعیّت در چهل سالِ گذشته‌ است؛ در منطقه و در مراکزی حتّی فراتر از منطقه؛ این یک واقعیّت است. نقطه‌ی مقابل، قدرت استکباری است؛ قدرت استکباری آمریکا، قدرت فتنه‌انگیزی و خباثت رژیم صهیونیستی، از چهل سال پیش به این طرف بمراتب تنزّل کرده‌اند و پایین رفته‌اند؛ ما این را در محاسبات خودمان باید لحاظ کنیم. اینکه در وضع سیاسی آمریکا یا در وضع اجتماعی و اقتصادی آمریکا چه اتّفاقاتی افتاده و دارد می‌افتد، باید در محاسبات ما وارد بشود. این را باز بعضی از خود آمریکایی‌ها گفته‌اند، بعضی‌ها میگویند «افول موریانه‌وار»؛ که این را [یک] نویسنده‌ی آمریکایی میگوید. در مورد افول اقتدار آمریکایی میگوید «افول موریانه‌وار»؛ یعنی مثل موریانه از درون دارد پوک میشود -خود نهادهای درون آمریکا این را میگویند- هم در عرصه‌ی اقتصادی این جور است، هم در عرصه‌ی اجتماعی این جور است، هم در عرصه‌ی سیاسی این جور است. آمارهای واضحی وجود دارد در مورد وضع اقتدار اقتصادی آمریکا و تأثیر آمریکا در اقتصاد جهانی که در طول این چندین دهه به شکل عجیبی سقوط کرده که حالا آمارهایش هست، یادداشتش را هم من دارم منتها حالا جزئیّات یادداشت‌ها را لزومی ندارد که عرض بکنم. در بخش سیاسی هم اقتدار آمریکا افول کرده.

برادران و خواهران عزیز! این را من به شما عرض میکنم: افول سیاسی آمریکا اگر یک دلیل -که حالا میگویم- بیشتر نداشته باشد کافی است، و آن دلیل عبارت است از انتخاب فردی با مختصّات آقای دونالد ترامپ در آمریکا. خود این انتخاب، نشانه‌ی افول سیاسی آمریکا است؛ سرنوشت سیصد و اندی میلیون جمعیّت دست یک آدمی با این مختصّات، نشانه‌ی افول سیاسی آمریکا است. کسی که در خود آمریکا نسبت به تعادل روانی او، تعادل فکری او، تعادل اخلاقی او این همه حرف هست، وقتی رئیس یک کشوری میشود، نشان‌دهنده‌ی افول آن کشور است؛ افول سیاسی، افول اخلاقی. از جنایتها و آدمکشی‌های رژیم صهیونیستی اینها به طور مرتّب حمایت کردند و دفاع کردند؛ از جنایت مجموعه‌ی چند دولت در یمن و

کشتار مردم بی‌گناه یمن اینها حمایت کردند؛ از جنایت حمایت میکنند؛ دیگر سقوط اخلاقی از این بالاتر؟

در داخل خود آمریکا مشکلات فراوان [است]. آن روز به نظرم در یک جلسه‌ای، در اوایل ماه رمضان این را گفتم(۱۱) که وزارت کشاورزی آمریکا رسماً اعلام کرده است که ۴۱ میلیون نفر در آمریکا با مشکل گرسنگی دست و پنجه نرم میکنند؛ وضع آمریکا این است، وضع اقتصادی آمریکا این است. ۲۲۰۰ میلیارد دلار بدهکاری دولت آمریکا است -۲/۲ تریلیون- افسانه‌ای است، اصلاً این رقمها، رقمهای غیر قابل تصوّر است. اینها گرفتاری‌هایشان است، آن وقت این آقا برای ملّت ایران دلسوزی میکند، میگوید ما خوشبختی و سعادت و اشتغال ملّت ایران را میخواهیم؛ برو خودت را درست کن، اوضاع خودتان را اگر میتوانید رو‌به‌راه کنید. آمریکا در جرائم همراه با خشونت، در دنیا رتبه‌ی اوّل است؛ در مصرف موادّ مخدّر در دنیا، در رتبه‌ی اوّل است؛ در کشتار مردم خود کشور، در دنیا در رتبه‌ی اوّل است؛ در کشتار مردم به وسیله‌ی پلیس آمریکا، در دنیا در رتبه‌ی اوّل است. آمارهایی که دارند [نشان میدهد که] در همین هشت ماه گذشته ۸۳۰ نفر از مردم آمریکا به دست پلیس در خیابان کشته شده‌اند؛ وضع اجتماعی این دولتی که برای ملّت ایران شاخ و شانه میکشد، اینها است.

یک طرفِ محاسبه هم خود ما هستیم. ما البتّه مشکل داریم؛ ما مشکلات اقتصادی داریم، بارها هم گفته‌ایم، مسئولین هم به قدر توان خودشان دنبال حلّ این مشکلات هستند. مشکل داریم امّا بن‌بست نداریم. مهم این است که ما در کشور بن‌بست نداریم؛ نه در مسائل اقتصادی، نه در مسائل اجتماعی، نه در مسائل سیاسی؛ مشکلاتی داریم که علل مختلفی دارد امّا در کشور بن‌بست نداریم، بعکس پیشرفت داریم. در رأس برجستگی‌های کشور ما، همین ملّت عزیزِ ایرانند؛ همین ملّت پُرشور، همین ملّت بابصیرت. اگر ملّت ما بصیرت نداشتند، این حضور مردمی در آنجایی که حضور آنها لازم است دیده نمیشد؛ حضور مردمی. شما ببینید در بیست‌ودوّم بهمن سال ۹۷ یعنی همین چهار پنج ماه قبل از این، چه اجتماع عظیمی در خیابانهای سراسر کشور به راه افتاد! این، بصیرت میخواهد، این همّت میخواهد، این آمادگی میخواهد، این کمربستگی میخواهد؛ ملّت ایران این را دارد: آگاهی را، بصیرت را، قدرت ایستادگی را، اراده‌ی محکم را؛ این بزرگ‌ترین نقطه‌ی قوّت کشور ما است؛ نقاط قوّت دیگری هم وجود دارد. پس منطق مقاومت اینها است که عرض کردیم. امام با پشتوانه‌ی یک چنین منطقی بود که وارد میدان مقاومت شد.

من چند نکته یادداشت کرده‌ام [که چون] وقت یک مقداری گذشته، بسرعت بگویم. عزیزان من! یک نکته این است که هدف مقاومت عبارت است از رسیدن به نقطه‌ی بازدارندگی. هم در اقتصاد، هم در مسائل سیاسی

کشور، هم در مسائل اجتماعی، هم در مسائل نظامی باید به نقطه‌ای برسیم که این نقطه بازدارنده باشد، یعنی بتواند جوری خود را نشان بدهد که دشمن را از تعرّض به ملّت ایران در همه‌ی زمینه‌ها منصرف کند؛ دشمن ببیند فایده‌ای ندارد و با ملّت ایران نمیتواند کاری بکند. ما امروز در بخش نظامی تا حدود زیادی به این بازدارندگی رسیده‌ایم. این هم که می‌بینید روی مسئله‌ی موشک و مانند این حرفها اصرار میکنند، به‌ خاطر همین است؛ میدانند که ما به بازدارندگی رسیده‌ایم، به نقطه‌ی تثبیت رسیده‌ایم، میخواهند کشور را از این محروم کنند، و البتّه هرگز نخواهند توانست.

مواجهه‌ی ما با مسائلمان و با دشمنانمان باید اوّلاً شجاعانه باشد، مرعوبانه نباشد؛ ثانیاً امیدوارانه باشد، مأیوسانه نباشد؛ ثالثاً عاقلانه و خردمندانه باشد، هیجانی و احساساتیِ سطحی نباشد؛ [رابعاً] مبتکرانه باشد، از روی انفعال نباشد؛ ابتکار کنیم؛ اگر به این کیفیّت حرکت کردیم، اگر این‌ جور حرکت کردیم، بدانید ملّت ایران در مواجهه‌ی با همه‌ی قدرتهای بزرگ توفیق خواهد یافت و خواهد توانست پیش برود.

یک شرط دیگر برای موفّقیّت این است که ما به ترفند دشمن برای تضعیف اندیشه‌ی مقاومت توجّه کنیم. ببینید عزیزان من! اندیشه‌ی مقاومت، قدرتمندترین سلاحِ یک ملّت است؛ پس طبیعی است که دشمن بخواهد این سلاح را از دست ملّت ایران بگیرد؛ [لذا] روی اندیشه‌ی مقاومت شروع میکنند به وسوسه کردن، تردیدافکنی: «آقا، چه فایده دارد، نمیشود». باید اندیشه‌ی مقاومت از ترفند دشمن مصون بماند و با ترفند دشمن تضعیف نشود.

ترفند دشمن هم اقسام و انواعی دارد؛ گاهی تهدید میکند، گاهی تطمیع میکند، مثل همین مردِ رندیِ اخیرِ این رئیس‌جمهور محترم آمریکا که اخیراً ایشان اظهار کرده که «ایران با همین رهبران کنونی هم میتواند به پیشرفتهای بزرگی برسد»! این معنایش این است که رهبران کنونی ایران! ما نمیخواهیم شما را براندازی کنیم، ناراحت نباشید، ما قصد براندازی شما را نداریم، ما شما را هم حاضریم قبول بکنیم. این به‌ اصطلاح یک زرنگ‌بازیِ سیاسی است خطاب به رهبران ایران. البتّه این حرف درست است؛ اگر رهبران کنونی ایران، مسئولان کنونی ایران، دامن همّت به کمر بزنند، آستین‌ها را بالا بزنند، شب و روز نداشته باشند، مجاهدت کنند، هم‌زبانی کنند، هم‌دلی کنند، به‌ نحو مناسب و شایسته‌ای از امکانات مردم استفاده کنند، قطعاً پیشرفتهای بیشتری نصیب خواهد شد؛ در این شکّی نیست امّا شرطش این است که آمریکایی‌ها نزدیک نیایند؛ شرط پیشرفت این است که آمریکایی‌ها نزدیک نیایند. این زرنگ‌بازیِ سیاسی این آقا، مسئولان جمهوری اسلامی را فریب نمیدهد، ملّت را هم فریب نمیدهد. باید آمریکایی‌ها نزدیک نشوند. هر جا آمریکایی‌ها پا گذاشتند، یا جنگ شد، یا برادرکشی شد، یا فتنه شد،

یا استثمار شد، یا استعمار شد، یا تحقیر شد؛ قدم آمریکایی‌ها قدم نامبارکی است. [اگر] نزدیک نشوند، خود ما میدانیم چه جوری رفتار کنیم؛ کار خودمان را بلدیم، خدای متعال هم توفیق خواهد داد و ان‌شاءالله پیش خواهیم رفت.

ملّت در میدان حضور دارند و این حضور باید ادامه پیدا کند. برادران عزیز، خواهران عزیز! من به شما عرض کنم که بدانید همین که شما در روز جمعه‌ی آخر ماه رمضان این جور در صحنه حاضر میشوید، کلّی محاسبات دشمن به هم میریزد و اختلال پیدا میکند.(۱۲) خداوند ان‌شاءالله برکاتش را، رحمتش را بر شما نازل کند. بله، ملّت ایران واقعاً آماده هستند.

یک توصیه هم به مسئولین محترم کشور میکنم: تمرکز بر مسئله‌ی اصلی. در هر برهه‌ای یک مسئله‌ی اصلی در کشور هست که باید بر آن تمرکز کرد. قبل از پیروزی انقلاب، مسئله‌ی اصلی «رژیم طاغوت» بود که امام بر آن تمرکز کرد و موفّق شد؛ بعد از پیروزی انقلاب، در یک برهه‌ای، مسئله‌ی «تثبیت نظام» بود، در یک برهه‌ای «جنگ تحمیلیِ صدّام علیه کشور» بود که همه‌ی کشور بر مسئله‌ی جنگ تمرکز کردند، بحمدالله موفّقیّت حاصل شد. امروز مسئله‌ی اصلی و نقد، مسئله‌ی «اقتصاد» است. البتّه مسائل فرهنگی هم هست و بسیار مهم است، مسائل امنیّتی هم همین جور، امّا در بین همه‌ی این مسائل، آنچه از همه نقدتر است، مسائل اقتصاد است که به معیشت مردم ارتباط پیدا میکند و در مسائل فرهنگی و امنیّتی هم اثر میگذارد.

در مسئله‌ی اقتصاد، مسائل اصلی‌ای وجود دارد، عناوین مهمّی وجود دارد که من چند موردش را میگویم: یکی مسئله‌ی رونق تولید است، یکی مسئله‌ی ارزش پول ملّی است، یکی مسئله‌ی بهبود فضای کسب و کار است، یکی مسئله‌ی جدا کردن اقتصاد کشور از فروش نفت خام است -بند ناف بودجه و اقتصاد کشور را از نفت خام و فروش نفت خام و تجارت نفت خام بایستی ببُریم؛ این یکی از مسائل اصلیِ ما است- تبدیل دخالت دولت در اقتصاد به هدایت دولت و نظارت دولت هم جزو مسائل اصلی است، بریدن دست مفسدان اقتصادی یعنی اختلاس‌گر، تروریست اقتصادی، قاچاقچی بی‌رحم که دست اینها را از اقتصاد [باید برید]. ببینید، اینها مسائل اصلیِ اقتصاد کشور است. مسئولین کشور، عمدتاً قوّه‌ی مجریّه و در کنارش قوّه‌ی مقنّنه و در بعضی از مسائل قوّه‌ی قضائیّه باید متّفقاً روی این مسائل کار کنند، این مسائل را حل کنند؛ اینها مسائل اصلی است. روی این متمرکز بشویم، به حواشی و مسائل فرعی و مانند اینها نپردازیم، حاشیه‌سازی نکنیم. همبستگی ملّی بسیار مهم است، کنار گذاشتن دعواهای سیاسی و جناحی بسیار مهم است، و یکی از مهم‌ترین مسائل حفظ ارتباط قلبی با خدای متعال است.

ماه رمضان امسال ماه رمضان خوبی بود. آن طوری که بنده اطّلاع دارم و گزارشهایی از نزدیک به بنده داده شده است، امسال ماه رمضان مجالس دعا و ذکر و مناجات و وعظ و تبیین معارف اسلامی بسیار گرم بوده است. در این شهر تهران در محلّات مختلف، اجتماعات عظیم مردم -عمدتاً جوان- جمع شدند مناجات کردند، اشک ریختند، توسّل و تضرّع کردند؛ اینها خیلی باارزش است. اینها زمینه‌ساز رحمت الهی و هدایت الهی است؛ این را قدر بدانید، این را ادامه بدهید. جوانهای عزیز! دلهای پاکیزه‌ی شما، دلهای نورانی شما میتواند مثل کلید حلّ معضلات بزرگ عمل کند و رحمت الهی را جلب کند. و امیدواریم ان‌شاءالله خداوند این ماه رمضان بزرگ را و مهم را که امسال مردم گذراندند، بر ملّت ما مبارک کند. امروز هم آخرین روز ماه رمضان است؛ و الان در ساعات آخر این ماه قرار داریم. خوب است که چند جمله هم دعا کنیم. نسئلک اللّهمّ و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الاعزّ الاجلّ الاکرم و بحرمة محمّدٍ و آله یا الله ... یا رحمان یا رحیم یا مقلّب القلوب ثبّت قلوبنا علی دینک.

پروردگارا! ما را در راه خودت ثابت‌قدم بدار. پروردگارا! روح مطهّر امام را که مقاومت را به ما یاد داد، با اولیائش محشور کن. پروردگارا! سایه‌ی یاد امام و یاد شهیدان را از سر این ملّت کم و کوتاه مفرما. پروردگارا! نصرت خودت را بر ملّت ایران نازل کن. پروردگارا! نصرت خودت را بر امّت مسلمان نازل کن. پروردگارا! فتنه‌انگیزان در دنیای اسلام را خوار و زبون و رسوا و مفتضح بفرما. پروردگارا! به محمّد و آل‌ محمّد حاجات این مردم را که در این جلسات ذکر و دعا بر زبان آوردند یا در دل گذراندند، به کرمت و لطفت روا بفرما. پروردگارا! دعاهای آنها را مستجاب بفرما. پروردگارا! به محمّد و آل محمّد این ماه رمضان را برای ملّت ایران و برای امّت اسلامی ماه رمضان مبارکی قرار بده. پروردگارا! ما را از کرم خود، از لطف خود، از بخشش خود و مغفرت خود بی‌نصیب مفرما؛ گناهان ما را بیامرز؛ تخلّفهای ما و اسراف ما را بیامرز؛ گذشتگان ما، پدر و مادر ما را بیامرز.
پروردگارا! به محمّد و آل محمّد دعای مستجاب ولیّت و حجّت را شامل حال ما بفرما؛ ما را سربازان او قرار بده؛ مرگ ما را به شهادت در این راه قرار بده. پروردگارا! به محمّد و آل محمّد آنچه گفتیم، آنچه شنیدیم، آنچه انجام میدهیم برای خودت و در راه خودت قرار بده و به کرمت از ما قبول کن.

والسّلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

۱) سوره‌ی انشراح، آیات ۷ و ۸؛ «پس چون فراغت یافتی، به طاعت درکوش؛ و با اشتیاق، به سوی پروردگارت روی آور.»

۲) سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۹۷؛ «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به‌زودی [خدای] رحمان برای آنان محبّتی [در دلها] قرار میدهد.»

۳) سوره‌ی شوری، بخشی از آیه‌ی ۱۵؛ «بنابراین به دعوت پرداز، و همان‌گونه که مأموری ایستادگی کن، و هوسهای آنان را پیروی مکن. ...»

۴) بیانات در مراسم بیست‌وهشتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (قدّس سرّه الشّریف) (۱۳۹۶/۳/۱۴)

۵) شعار حضّار: «نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا»

۶) سوره‌ی طور، آیه‌ی ۴۲؛ «یا میخواهند نیرنگی بزنند؟ و[لی] آنان که کافر شده‌اند، خود دچار نیرنگ شده‌اند.»

۷) سوره‌ی قصص، بخشی از آیه‌ی ۵؛ «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منّت نهیم ...»

۸) سوره‌ی محمّد، بخشی از آیه‌ی ۷؛ « ... اگر خدا را یاری کنید یاری‌تان میکند و گامهایتان را استوار میدارد.»

۹) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۰؛ « ... و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد ...»

۱۰) از جمله، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم به مناسبت سالروز قیام نوزدهم دی (۱۳۹۷/۱۰/۱۹)

۱۱) بیانات در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام (۱۳۹۸/۲/۲۴)

۱۲) در پاسخ شعار حضّار: «ای رهبر آزاده، آماده‌ایم آماده»